

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ اپریل ۲۰۱۹

چه کسی از دیگری استفاده ایزاری می کند؟ "غنی احمدزی" و یا "رشید دوستم"؟

۲

دوشنبه-۱۲ حمل ۱۳۹۸- کابل: در این قسمت خلاف قسمت اول که "دوستم" به مثابه یک احمق سیاسی که هرکسی هر زمانی دلش خواست او را به کار می گمارد و با ختم کار با لگدی به نشیمنگاهش او را بیرون می اندازد، دوستم را در نقش یک انسان زرنک، و توطئه گر از نظر گذشتانده، نقش فعلی اش را مشخص خواهیم ساخت.

۲- دوستم انسان زرنک و توطئه گر:

این درست است که "دوستم" نه تنها تحصیلات عالی دانشگاهی ندارد، بلکه صنف ۱۲ را نیز تمام نکرده است. مگر این هم یک واقعیت انکار ناپذیر است که دوستم در جریان ۴۰ سال اخیر در ده ها مکتب توطئه و استخبارات بدون آن که پشت میزی بنشیند و به طرف تخته سیاه نظر کند، در عمل و نظر زیر تربیت استادان مجرب توطئه گر و عوامل استخباراتی قرار داشته، شاید بتوان وی را یکی از کار آزموده ترین شاگردان مکتب توطئه و تفنین و از پشت خنجر زدن به حریف در مقطع خاص تاریخی کنونی دانست.

وقتی به خلاصه زندگینامه و کارکردهای دوستم که در برخی از نشرات، منتشر شده است نظر می اندازیم می بینیم که نامبرده توان و ظرفیت بس عجیب توافق با محیط را دارا بوده است. و بر مبنای همین ظرفیت در جوشا جوش درگیری های خونین و تصفیه های جسدی بین باند های خلق و پرچم، او برای هر دو طرف "رفیق دوستم" بوده است، وقتی سگ جنگی های کابل آغاز یافت، بعد از سپری شدن زمان اندکی در دوام "خالد بن ولید" شدن برای "صبغة الله مجددی" و متحد "ربانی-مسعود" یار غار "گلبدین" نیز گردید، به همین سان مجدداً پیراهن منجی ربانی - مسعود را برتن نمود و در عین زمان با سپردن سمت شمال و تمام تسلیحات آن به طالب، به قلب وی نیز جای یافت. این مناسبات در عرصه بین المللی نیز ادامه یافت، چه همان طور که برای ارتش اشغالگر شوروی "تواریش دوستم" بود، برای ارتش های اشغالگران ناتوئی در رأس امپریالیسم امریکا نیز یکی از شخصیت های قابل اعتماد گردید.

حال فردی با این خصوصیات و با در نظر داشت این که خودش در زندگینامه اش گفته، همیشه صبر می کند تا موقع مناسب به دست آید، و با در نظر داشت آن که در طول ۴۰ سال گذشته، تمام افغانستان نمونه هائی از قساوت و بی

رحمی وی را شاهد بوده با گوشت و پوست شان احساس نموده اند، و با درنظرداشت ضرب المثل عامیانه "قهر افغان- رحم از بیک" به مثابه بیانگر "روانشناسی اجتماعی" وی؛ آیا می تواند توهین ها، تحقیر ها و اهانت های "غنی احمدزی" و باندش را فراموش نموده؛ با جان و دل در کنارش قرار گیرد؟ می باید بدان با دیده شک نگریست. هیچ بعید نیست که تمام فاصله گیری ها با "عطا-محقق" نمایی نبوده باشد برای فریب و اغوای "مغز متعفن" تا وی را از نظربندی نیروهای خارجی برهاند و یک بار خودش را به زادگاهش و در کنار هزاران جنگنده کارآموده اش برساند. بعد از آن در اولین فرصت مناسب پاسخ تمام اهانت ها، تحقیر ها و عهد شکنی های "غنی احمدزی" را کف دستش گذاشته، باز هم یک "احمدزی" دیگری را به طالب تحویل دهد.

هموطنان گرامی!

به همان سان که در طول تاریخ، طبقات حاکم همیشه فقط و صرف به منافع شخصی و فامیلی خود اندیشیده و جهت تحقق آن از انجام هیچ خیانت و جنایتی رویگردان نبوده اند، زمامداران و طبقه حاکمه نوحاسته جدید در افغانستان نیز عین خصوصیات را داشته، فلسفه و شعار شان "من زنده، جهان زنده؛ من مرده، جهان مرده" می باشد. از همین رو در مقطع فعلی که افغانستان باز هم در آستانه تغییرات ویرانگری قرار گرفته، هریک از آنها بدون استثناء از پشتون، و تاجیک گرفته تا ازبیک، هزاره، ایماق، بلوچ و... و به همین سان شیعه و سنی، فقط به فکر حفظ منافع شخص خودش و در نهایت اعضای خانواده اش می باشد. باز هم ائتلاف های جدیدی شکل خواهد گرفت و باز هم انشعابات و گسست های خونبار دیگری به وقوع خواهد پیوست.

هموطنان گرامی، به خصوص توده های میلیونی کشور! بیائید با بریدن از تمام علایق ارتجاعی مذهب، زبان و قوم، با نگرش طبقاتی به قضایا نگریسته، جنگ و صلح طبقات حاکم را به لقای خودشان گذاشته، صف گرسنگان، بی چیزان و پابرهنگان را در مقابل آنها سازمان داده، برای دنیائی که خود می خواهیم به نبرد مرگ و زندگی دست یازیم و به مانند سیل خروشان طبقات حاکم خودی را در کنار تجاوزگران به زباله دان تاریخ بسپریم.

سرکها ما را می طلبد!!